

سم بوده است . و اطباء ایرانی سوء اثر آنرا سر در بدن انسانی می دانسته اند .

ندریچاً کشت خشخاش در ایران معمول گردید و بعدها استعمال آن نیز در بین بعضی از طبقات ایرانیان مرسوم شده .

در عهد صفویه خوردن محلولی از شراب و بریاک پش طبقة مخصوصی متداول بوده چنانکه در آثار سیاحان خارجی در باب خوردن بریاک محلول در شراب و کشیدن حشیش و تنباکو اطلاعات مفیدی نامه میشود ولی اندک اشاره‌ای بکشیدن آن نمیکنند .

وشته‌های مؤلفین خارجی که در سده اول قرن نوزدهم ایران آمده‌اند با اینکه در خصوص هر يك از تفنن‌های ایرانیان مثل علیون و عسره و حب‌های معصلی دارند و حتی کسانی مثل موریر و مینغورد که به می‌دانشنامه هر جوی و خصلت نیک و بد ایرانی با هر تفنن او را بیاد سفیری و استهزاء کرده هزاران گوشه نیش قوی بر تنه پیچوجوچه متعرض کشیدن بریاک شده و اسمی از آن نبردند و از آن طرف در کتب خارجیانیکه از ۱۸۶۰ بعد بایران مسافرت کرده‌اند تک تک کسانیکه معصوم کشیدن بریاک شده‌اند بر میخوریم و در دوره بقدری این امر شیوع مییابد که هیچ جهانگردی نیست که از ایران نماند کرده باشد و از این مرض مهلك اجتماعی گه‌تگه کند .

دکتر نلیگان ۲ طبیب دانشمند سفارت انگلیس در ظهور و معصوم است که بنا بر اسناد معتبر کشیدن بریاک در ایران بعد از نیمه اول قرن نوزدهم شروع گردیده است پس معلوم میشود که در زمان امپراتور کشیدن بریاک در ایران پیوده‌است و نیز همو گوید : «ترک ایران در لندی بر ای حصدن بار در حدود ۱۸۷۰ دیده شد که حمس بسیار پستی داشت و پیچوجو - - - - - خواننده همیشه بلکه نام تریاك ترا دوران سهرت داشت و در ایران را در این قدر بکشی گذاشته بودند خوب تریاك ایران متساحته شده و يك معصوم می بیند در انگلستان ایجاد گردیده که اهمیت آن بسیاره تجارت انگلستان با شرق اقصی بود . بقدری منافع زیاد از آن عاید شد و انگلیس - - - - -

ایران را خوب خریدند که کشاورزان از زراعت گندم دست کشیدند و قسمت زیادی از اراضی گندم چیز خود را برای کشت خشخاش تخصیص دادند» ۱ و در نتیجه قحطی عظیم ۷۲ - ۱۸۷۰ پیش آمد که هزاران زن و مرد از بی قوی جان دادند و مدینه خشخاش کاران و نریاک خران شدند و بهمین علت برای چند سالی ضربه سختی زراعت کوکنار در ایران وارد آمد تا دوباره رو بنرفی گذاشت و از ۱۸۸۰ بر زراعت آن افزوده شد بطوریکه میزان محصول اصفهان که در سال ۱۸۵۹ فقط ۴۲۰۰۰ پوند بود در اوایل قرن است ۸۷۰۰۰ پوند بالغ گردید ۲ و بالاخره کار بجائی کشید که «ماژر بیومس» مورخ انگلیسی در کتاب «سرق ماه» مینویسد از ۲۶ ولایت ایران در ۱۸ ولایت آن نریاک کاسه میشود و همچنین منطقه زراعت خشخاش را در ایران چهار صد هزار عمل مربع یعنی معادل یک منطقه وسیع برادریست می کند ۳

پس دیدیم که کشیدن نریاک در زمان امیر ابدآ در ایران مرسوم بود و هر چه هست پس از او رفته رفته مردمانی بدان معناد شده جو گرفته اند و تصریح نلیگان مؤلف سابق الذکر اعتیاد سر نریاک کشیدن از حراسان شروع شده و سواحی دیگر سرایت نموده است ۱
کشت خشخاش در عهد امیر کبیر در مرحله آزمایش بوده است و بنصرت وقایع اتفاقیه و مستطعم باصری در اطراف طهران زراعت خشخاش پرداختند تا ساج خوب و بد آنرا امتحان نمایند ۲
گر چه هیچ گونه فرایبی در زمان امیر نمایان نشده بود که وی سواند

The Opium Question with Special Reference to — ۳۳

Persia By A R. Neligan P 10 — ۱

The Opium Question with Special Reference - ۲

to Persia By A.R. Neligan P 13

The Middle East By Major E.W. Pulson - ۳

Newman P 250-60

سر م. کیمب، الملاح، ممدی، مجمع نریاک ایران یافته میشود (صفحه

۱۹۵ - ۱

۲۹ روبرو وقایع اتفاقیه شماره ۲۹

تاریخ مستطعم باصری و چند سوره - صفحه ۲۱۰

بتایج خانمانکن این سم مهلك پی برد ولی این اقدام وی که یقیناً بصرف
 منافع اقتصادی بدان مبادرت شده است قابل دقت و تنبه است
 چون داستان تریاک، بدینجا کشیده نمیتوانیم از ذکر نام میرزا حسینخان
 سپهسالار خودداری کرده و از کوشش هائی که او برای ایجاد یک بازار بزرگ
 تریاک در لندن بعمل آورد چشم پوشیم و پیشنهاد و گزارش های معصل او را از
 مهبئی برای رواج کشت این زهر خطرناک یادیده اسگاریم
 این بود تاریخچه بسیار مختصری از سابقه «ترباک» در ایران و شمال
 امری را که در اشاعه آن بسیار مؤثر بوده است از کتاب «نفوس» در مسیح
 روابط سیاسی ایران و انگلستان در قرن نوزدهم میلادی «المخمس» میکنند
 منظور اشاعه کشیدن تریاک یک هیأت بزرگی از مرشدان و پیران
 هند ماور حل یک مشکل سیاسی در ایران گردیدند و نخستین بار در صفحات
 خراسان ظاهر شدند.

این ریاضت کشان هندی با حکارها و حواری خدات خود بواسطه در
 دستگاه ایشان (بزرگان و متنفذین ایران) راه نافه مقام و منزلتی
 کنند و در سفر و حضر همراه ایشان رفتن کشیدن تریاک را رافع هر حسرتی
 و بهترین انواع نفع جلوه دهند.
 داستان تریاک را بهمی حاضر گذار کرده و به ما و معصل را یاد
 حواله مینمائیم.

بخش چهارم

توسعه بازرگانی

در این عهد روابط تجاری ما در تریا اول روس و انگلیس و
 عثمانی پیش از سایر دول رونق داشت و پایه آن بر سر عهدنامه
 ۱۲۴۳ - ۱۲۵۷ - ۱۲۳۸ هجری شمسی بود.

۱ - نگارنده او این بار ضمن مطالعه تاریخ روابط بازرگانی ایران
 و انگلیس «تألیف استاد عالممقدارم آقای محمود» و مجموع تاریخ ایران آن
 ر خودم وار آن پس بی آن را گرفتند و در آنجا جمع آورده اند.
 و امیدوارم روزی در دسترس استادان و محققان عزیز ایرانیان

گمرکی ایران با دولت روسیه و انگلیس از قرار صدی پنجم و با دولت عثمانی
صدی چهار تعیین شده بود

اکنون باید از نظر منابع اقتصادی ایران يك نظر کلی بر روابط تجاری
هر يك از این سه دولت بیهکنیم .

بین ایران و عثمانی موازنه تجاری کاملی برقرار بود و صادرات و
واردات ما کاملاً تعادل داشت . در مازرگانی ما روسیه نیز تقریباً همین تعادل
دیده شد و این صادرات و واردات ما را انگلیس از هیچوجه موازنه نداشت و بین
دورقم صادر و وارد اختلاف فاحشی حکم میکرد چه صادرات انگلستان با ایران
رو باردهاد میرفت در حالیکه ایران صادرات قابل ملاحظه ای نداشت بطوریکه
بیتسنگ میگوند « از ایران هیچ کالائی بجز مقدار خیلی اربشم با انگلستان
صادر نمیشود » .

امیر برای اینکه ایران بصورت يك بازار بजार خارجیان در بیاید و
از بعد اقتصادي آن نیز کاسته شود نقشه خود را چنین طرح کرد

با احداث و تأسیس کارخانهای صنعتی و ساجی و استخراج معادن و
اتحاد سیاست « حمایت اقتصادی » و ترویج استعمال متاع داخلی از پیران
واردات کاست و بالتبعه از خارج شدن و فرار ثروت ملی ممانعت کرد . و
عملاً بازار تجارت برخی از کالاهای خارجی را کساد نمود و بهین علت بود
که دالگوروی روسها شکست بازار تجارت روسیه را گوشزد امیر کرده می
بوسند : « دولت در مملکت خود مختار است . . . ولی در قراری که
بآردی رعایا، دول خارجه، خاصه چنان آردی که شرط مخصوص شده .
اصلاً سیری نداشته باشد و عمل آوردن چنان قرارها بصورت جدید هم رسانند
حدی که نمیتواند محتمل شوند و بهاست بر خود هموار نمایند

« چیزی که راست است اینست که مدیست تجار روس برای مال التجاره
خود در بازار دارالخلافه مشتری پیدا نمینمایند و رعایای ایندولت آشکارا
میگویند که بایشان درس شده است از تجار روس مال التجاره بخردند . از
آنجائیکه واضح است که همین فرار علامان حصول آیات دارد و قض آشکار
قرات عهدنامه میباشد که یکی از شروط عمده آن آردی بजार است و بیاین

دومملکت، دوستدار دولت علیه ایران را دعوت مینماید که هر چه رود تر حکم صریح بفرماید ملذکالتجار و دیوانخانه صادر نماید که موقوف کند چنانقراری که ضرورتتجار روس دارد بنای تجارت در دو سر مرز گرفته است البته آن جناب نباید طالب باشند که دولت بپیه روس معارضه دالمثل نماید با اینکه دوستدار این اوضاع مشوش شده بحضور مبارک اعلیحضرت امپراطوری ایقاد دارد هر یضه که رعایای اعلیحضرت امپراطوری باسم دوستدار نوشته اند در باب اقسام بی حسابی که مورد آمده اند از حساب دوا، که آن در حکومت آن در دست وزیر اول اعلیحضرت میباشد زیاده چا رحمت دهد

فی ششم صدرالمظفر ۱۲۶۷

در نامه وزیر مختار روس سر رجا از شکست باران تجارت روس شکایت شده است و ضمناً ایران را بمقاله بمثل و رسالتین شکوه شکایتی که این امپراطور تهدید نموده و از رفتار حکومت ایران که بدورت آن ، محصورا در دست شخص صدر اعظم است گفته میکنند .

امیر جواب میدهد که اولاً او ایای دولت ایران را اما طالب اردنای دومی دولین و آمد و شد و رواج تجارت همه طرفین میباشد و علاوه بر این آزادی تجارت شرط عهده دوا این است این اعتقاد این شرط عهده دوا است که ممکن است که ظاهراً یا اظهار چیزی را قید نماید که الامداد معامد در معوی و عهدنامه باشد بعنوان در تمام صحر تجارت دوا آید و در صورتی و نوع نداشته و اشاء الله ان شاء الله مع جواب میدهد .

اما نوشته و دیده که رعایای این دولت آشکاره گویند که این دولت بدین است که از تجارت روس مال تجارتی ببرد اما این دولت در روسیه ؟ عارضه داره دوا دوا یا بیخ هر از گویند این دولت در صورت وقوع سیاست میباشد و باید و تأدیب شود که این دولت خلاف اصل کند .

مگر دوا و ... دولت تجارتی دوا ...

موقوف کند چنانچه را که ... دوا ...

این مطالب همه بدین جهت و شرح ...

برای هر چند تا ... رساله ... آن ده ...

و ملذکالتجار گردید

« دیگر چسری در پرده قلمی داشته بودند که دلیل این بود که رعایای اعلیحضرت امپراطوری در عریضه باسم آبخناب نوشته اند در باب اقسام بحسابیها که مورد آمده اند نوع دارد که این فقره را آشکار هر قوم دارید که کدام و حسابی نوع آمده تا تکمال میل و اهتمام بمقام رفیع آن بر آمد بواسطه ذکر این فقره اخیر اولیای دولت ایران را میرسد که نویسد که از سو جلوس اعلیحضرت پادشاهی دائم در صدد انجام مطالبات رعایای آندولت همیشه و انتظام امور آنها بوده علاوه بر آنکه معاملات آنها از اهالی دولت ایران وصول که ده بل و حه کلی هم بواسطه همان معاملات مانی از وجوه مالیات دیوانی و گمرک ایران داده اند که البته ثبت در دفاتر معارفی هست با اینهمه دقت اهتمام معض رضای اولیای دولت همه روسیه چگونه راضی میشوند که ضرری به تجارت مع آندولت برسد لیکن چنانکه در عهد شاه شاه معور سفار بجای اظهار شده بود درین عهد هم شعاعها اظهاری شد و خود آن حساب معص ملاحظه خبر و صلاح جبار آندولت بیه خواهش میماند که بدین معنی نماید برآه دیوانی و مواجب جزئی نکرده ، مال خود را بپذیرد و اصول موجب دوانی بکر کسان غیر معسر بدهند تا امرارت و (—) در کیفیت رای کار گذاران طرفین حاصل شده چون لازم بود اظهار شد

تحریراً فی ۱۲ شهر صفر المظفر ۱۲۶۷ .
در جواب امر غیر از تأیید آزادی تجارت و اینکه گوید گایسکه انتشار داده اند دولت قدس کرده که از تجارت روس چیزی بخرید تمییز کنند تا مسا شوند که قابل ملاحظه ای دیده میشود و آن ایستکه رسم روسها آن بود که معذاری بحسب یا اعتبار در اختیار عده ای از معتمدین دولتی بگذارند و چون با آنها ممکن بود و از عهده اسپلاک برض خود برامی آمدند روسیه دولت بشار آورده و حقوقی و مواجب آنها را در حسن قرصشان در خواست می کردند و این خود از اشتدالات و گرفتارهای امثال دوان میگردید ایست که نامر از وزیر معجز میخواستند که این رسم و قواعد را که باعث سوس و دشمنی امور منگتی است و سوح سازد
بن صیانت معده بیت اقتصادی امر البته در جوار انگلیس بر سر و سر
است و همین است که به رنگ پیروی این سیاست را ناشی از کوتاهی نظری
قلمداد میکند .

امیر علاوه بر اینکه سعی داشت از واردات ایران بکاهد برای بالا بردن میزان تولید داخلی و رونق بازار امته ایران در خارج سخت میکوشید و کالاهائی مطابق بسند بازارها تهیه میکرد و یکی از مأموریت های مهم که سیرزا حسینخان در بمبئی سپرده شده بود همان حمایت تجار و تجارت ایران در هندوستان بود که وی نیز بخوبی از عهده این مهم برآمد .

پیروی از این سیاست نتایج مثبت نیکومی برای ایران داشت و تصریح واتسون مؤلف انگلیسی در تحت حمایت امیر بازار های حوبی در روسیه عثمانی ، هندوستان برای کالاهای ایران پیدا شد و خصوصاً صادرات ابریشم و مقدار تولید آن بسیار فروبی گرفت که گفته وزیر مختار انگلستان در فصلی که منضم بکتاب خانم همسر خود نگاشته است « ابریشم يك قلم بزرگ تجارت ایران را تشکیل داده بخصوص که ایران میتواند قسمت اعظم قیمت واردات خود را از صدور آن بخارج بردارد »

بینیک مجموع صادرات ایران را در آن عهد بیش از يك ملیون لیره انگلیسی ثبت میکند و چون هر لیره آن عهد را بطور کلی معادل دو تومان باید بحساب آورد پس صادرات ایران بالغ بر دو ملیون تومان بوده است .

بمورد نیست که اقلام مهم صادرات و واردات ایران را با دوی هشتاد و یک کتاب بینیک و اسناد رسمی آن عهد نقل کنیم

واردات ایران از انگلیس و فرانسه و روسیه - کارد و جنگال براسلجه - گرم - پارچه - شیشه - چینی آلات - ساعت های جیبی - کافه - و غیره

واردات ایران از هندوستان - چیت - پارچه های گوناگون - چای - شکر - بنه - بیل - آهن و دیگر فلزات که بالغ بر ۴۵۰۰۰۰ لیره میشد

صادرات ایران بهند است - دواجات - خشکبار - تپهای ۳۵۰۰۰۰ لیره ۲

صادرات مانگلسان - حر مقدار قبیلی ابریشم هیچ ۳
صادرات عثمانی - تناکو - چادر شب - ابریشم ۴
واردات از عثمانی - کتان و مس و غیره ۵

درستطور فوق رونق بازار گانی خارجی ایران را علایقه دیدیم و از این پس چندی بتجارت داخلی و پیشرفت آن خواهیم پرداخت .
عامل مهمی که درسطتجارت ایران دخیل بود امنیت بی سابقه ومانندی است که در عهد امیر در سرتاسر این کشور حکمفرما بود کاروانهای مالالتجاره دائماً بین شهرها و ایالات در رفت و آمد بوده امتعه زیادی بافغانستان و ترکستان نیز میبردند .

در این عهد از مالالتجاره هائی که از شهری شهری برای فروش می بردند بلك نوع مالیات بعنوان « راهداری » و « دروازه بانی » میگرفتند ولی مالالتجاره هائی که برای صدور از کشور حمل میشد از این مالیات معاف بود و همیسا راه سوء استفاده ای برای بازرگانان خارجی گسوده بود بخصوص عالماً تجار روسیه مالالتجاره هارا باصم صدور از کشور میخریدند و سپاه برداشت گمرک سرحدی از مالیات و عوارض راهداری و دروازه بانی سابه خالی میکردند و کالاها را هم بجای خروج از مملکت از شهری شهری برده بفروس میروساندند این امر باعث ضرر کلی تجار داخلی و ایرانی بود چه احساس آنان که تحمل مالیاتهای داخلی را کرده بود البته گراوتر تمام میشد و باحار بر میس میخورد و از طرف دیگر با این حمله بهجاری بهوداقتصادی روسها زیاد میگردید و بازار را در دست میگرفتند و تجار ایرانی غالباً ورشکست میشدند امیر بخوبی ناین امر پی برده بود و اقدامات حدی و موثرتری برای منع آن عمل آورد که در حصول آتی خواهد رسید

حسامکه ذکر شد نرخ گمرکی بین ایران و عثمانی بموجب عهدنامه نرسه الروم حدی چهارم برقرار شده بود ولی در اواخر صدارت امیر عملا در آنکتور از بازرگانان ایرانی حدی شانزده حق گمرک گرفتند وزیر دول خارجه بنستور امیر با « سامی افندی » مکاتبه نمود « حساب سامی افندی این کیفیت را انکار کرد موافق نوشته اظهار کرد که هر گاه این کیفیت ثابت شود میبویسم که رفع شود » دولت ایران بپیرا حسن کار بردن نرسه الروم دستور داد که قیوس و « مذکره گمرکی » بازرگانان ایرانی را بعنوان دلیل بفرستند وی نیز چنین کرد این بود که باصهپان و گیلان و مراکز دیگر ایران دستور رفت که « چون مدتی است گماشتگان دولت علیه عثمانی رسم گمرک اتمه محصولات داخله

خود که عرضه و بارکش دیگر بطور قواعد مملکت‌های اروپا ندارند معطل
مانند چنانکه سابقاً در مورد و متداول بوده است که قاطر و الاغ از منک
ایران به خارج برده شود. حال هم به صلاح افرات است که مراد سالی عمل شود
و از ملاحظه بهج حرثی صورت‌های دولت و مملکت حاصل نگردد.

کلی حسین شیر در جواب می‌نویسد «... از آنکه آنجا بر یادآور
خواهد علم پولی بقل انکار نامی... بر آنجا آشکار خواهد بود
عوض ایضا مخالفت کند بر تجارت خارجی سیاست هر نوع حمایت و مدارا
که لازم باشد نماید؛ پس از آن اصول تهاجر سخن می‌گویند بعد با
سدلای بی‌مضمون که هر گاه میران مصرف کالائی زیاد شود
مولدین نیز در میران تولید خود مبادرت نمایند امیر را متقاعد کند
که صدور قاطر و الاغ موجب شویق صاحبان این‌ها نمی‌گردد در موارد و
بازارهای شهری بشهره یک‌بار و در آخر هم با کای عهدنامه حواله صدور آنها
مستند.

خواهند دانند حاضر دارند که یکجا سیاست حمایت اقتصادی
در ساخت آورده آن را کسی در کو صری «...» اینجا هم کلی
شیل از آردی تجارت دفاع کرده مداخلات و نظریات امیر را در سا قلمداد
مکند. حقیقت اینست که این همان مساجره ایست که بی طرفان سیاست
> حمایت اقتصادی < و «آردی تجارت» وجود دارد ما بحث در این
مبحث را بپایان «ور ریز و مبارت» اقتصاد شناس رزک مصر حاضر و گذشته
و ریشه سخن را بدست وی داده ادای حق مقام را از او می‌خواهم.

و در روز مبارت می‌گوید «... تسهلی از وسایلی که بچار و تولید کنندگان
روانی برای توسعه ادویر اقتصادی امروز کار می‌رود همان وسایلی است
که در روز گذشته از ادای توسعه اصول سرمایه‌داری، از آن استفاده می
کردند یعنی بدون دولت را ری رسیدن مقام خود کار می‌نمایند...»
و ما این عبارت و عبارات بعدی احبار

پسین مرد ما را از آن ماست... بهج سیاست مدکور که
عنان سه و بیست انگلیس است در میان ما حال است... همسوسان...
بی صاحب تا آن‌ها بی بودند هم از همه‌های دولت خود را و صیغی که

در اختیار داشته پاروپا میسر ستاندند و هندوستان احتیاجی باچناس پست انگلستان
نداشت و طالب آن نبود ولی بعد جدا جدا بازرار فروش بچار انگلستان
شود زیرا انگلستان از ابتدای جنگهای اروپا از این نوع مال البعاده پر
شده بود.

« برای اجرای این منظور که مسوومی از طرف دولت انگلستان مأمور
مطالعه گردید که چگونه انگلستان میتواند باچناس خود را در هندوستان
فروش رساند. نتیجه مطالعه کمیسیون این بود که خدمت تساحی شرقی
هندوستان باید از بین برود. حکومت انگلیس نظریه کمیسیون را نپذیرفت
سوده و مساررة خونمی علیه رفباء نامطابوب (ساجان هندی) شروع شد.
بوسله تعرفه های کمرکی و مالیات های سنگین موقوف شدند بر آن
را از میان ببرند. این بود که ساجان هندی بچار گرسنگی گردیدند.
همان عالم اقتصادی این عبارت گزارس ۳۵ ۳۴ را نگاه دارد.
دولت انگلیس این عمل میکند

در تاریخ تجارت همیشه تفاوتی بین این دو کشور بود.
استخوان های ساجان هندی دستهای هند را سهند کرد
رومبارت در بال گدشته خود را اکره هندوستان انگلستان به صورت خود
رسید و پارچه های محلی انگلیسی بازار هند را پر کرد و در آن در آن زمان
آن کشور پست شده بود سهند « الاذ داینگو
روی با تغییر زمان و در و تمدن هم شامل معنی بود.
دیده آزادی تجارت. صحیح است که این سندی های در آن زمان
بطریق مومرغ انواع و اقسام در درخت های هندوستان
آمد که بخدمت اسرغ آن در دارم

در سال ۱۲۶۵ مسبو « خطوط » در هند در زمان
برای سقار و سهند آمدند. آنرا در دست داشتند.
لب سنج حاکم در هند در آن زمان در هند
مرور با سندی سندی داشتند در هند
اعتبار و سندی در هند در هند
اولسای شوند از آنجا که در هند
همه این دولت در بین سندی سندی

مالکلی مطابق نمباید زیرا که واضح است چنین خرید میسر میشود بی آنکه
صروری باهالی آذربایجان برسد دوسندار یقین دارد و اعلیٰحضرت اقدس
همایون بادشاهی خلدالله ملکه و سلطانه در همین حالت مضایف ندارند دلیل
پاره از خیرخواهی خودشان سبب ندولت بیه صاهر فرمایند از آن جناب
متوقعست که آرزوی جناب جلالت بصاب پرسس و ارضیوب را عرض بندگان
اقدس شهریاری رسانیده مستندی شده اگر چه نکل گنده ضروریه کارگذاران
قماز ممکن نشود اولاً اذن چهارهزار خروار بموسیو بیطوف دهند که
در دهات آذربایجان و اردبیل خرید نمایند درین امید است که فرمائی بپسند
و اب شاهزاده ملک قاسم میرزا در این باب صادر شود و بسفارت خواهند
سائید ریاده چه مصدع گردد»
محرم الحرام ۱۲۶۵

از همه این حرمانها و گت و سوسه و ماچراها میخواهیم چنین نتیجه
گیریم که صدور محصولات و کالا های ایران در عهد صدارت امیر تحت
کسرل و نظارت حدی شمال دولت بوده و مراقب اقباضی سال و نقاضاهای
بارهای داخلی بوده و بالاخره مسائل اقتصادی ایران از روی بهشه و
شرح مرتب و منظمی بیس مرفه است

- دیگر از اقدامات امیر که در قضاوت ایران مؤثر بود موضوع شیلات
است که مورد توجه سحت روسها نیز بود

چنانکه حاجی میرزا آقاسی به اسمعیل خان میرزا آقاسی نوشت
« حکایت تازه شنیدم خیلی بنظرم غریب آمد از استر آباد وورنام
وسته بودند که آقاسی نام آدم نوشیلات استرآباد را بتجار روسی اجازه داده
است اگر این حکایت راست باشد خدا میداند دیگر از دست من خلاص
خواهی شد درین عرص مدت مرا شذاخته باشی خیلی عمد است من چه
درم سایر شیل را هم از دولت بیه روسیه بگیرم آدم تو را میدارد شیلات
که در دست ماست بتجار روس بچاره میدهیم محملاً میبوسیم اگر بی الواقع
این کیفیت اصل دارد ورود روش آدمی عرص آن قدمت که آقاسی نام
است از صر شیلات استرآباد را دارند و کس دیگر را مباشر این امر مکن
که شیلات را از دست بتجار اروس بگیرد در دست خودش باشد اگر در قدمت
حرف بجای بی پائی است نویس که مستحصر اشم البرودی شرح این

اول اجاره او بود از بندو اجاره تا کتون که آخر مدت یکسال اجاره است بکلی در رساندن مال الاجاره شیلات تقصیر و تقاعد نمود و وجه اجاره شیلات را ترساید بپناه علیهذا اولیای دولت علیه موافق قرار و شرط اجاره نامه فسخ اجاره و مقاطعه را بامیر ابراهیمخان نموده او را از مستأجری و مباشری شیلات خلع و عزل و عالیجاهان عزت همراهان میرزا اسمعیل و محمد ولی بیگ را بمباشری امور شیلات تعیین نمودند. از آنجا که اکثر داد و ستد معاملات آنها با اهلی حاجی ترخان است و عمله و اسباب هم باید از آنجا بیاورند لهذا بآن عالیجاه امر و معرر میفرمائیم که من بعد عالیجاهان مشارالیه را مباشر شیلات دانسته هر گونه مهمی بآن عالیجاه اظهار نمایند لازمه تقویت را بعمل آورده کوتاهی ننمایند و در عهده شناسد

فی شهر ذیقعدہ ۱۲۶۷

پیش از این اشاره شد که روسها در موضوع شیلات نظر داشتند و میخواستند امتیاز آنرا تحصیل کنند و چون در اثر مقاومت امیر مایوس شدند گاه گاه از طرف اتباع آنان بی نظمی‌هایی دیده میشد که خود سرانه بخرید ماهی میپرداخته‌اند. این بود که از طرف امیر بحکام صفحات شمال دستور رسید که از هر گونه دخالت دیگران در امور شیلات جلو گیری نمایند و حتی بوژیر مختار روس نیز نوشته شد که: «حاجی عباس نام گیلانی ساکن استرآباد که از جانب امیر ابراهیم خان دریا بیگی مباشر امور شیلات استرآباد است عریضه‌ای خدمت اولیای دولت قاهره نوشته است که در این اوقات که دو نفر از رعایای دولت بپیه روسیه بیگی مسمی به پسر کفتان نیک و دیگری عاملی مسمی به متکالف با چند فروند گمی (۱) وارد استرآباد شده مداخله در امر شیلات مینمایند و خلاصه از قیمت متعاقب از طایفه ترکمانیه خریداری ماهی مینمایند از اینکه شیلات استرآباد از اترك الی آستارا در اجاره عالیجاه امیر ابراهیم جان است و ایبطور رفتار خلاف قاعده و حساب است لذا از جناب سامی متوقع است که رحمت کشیده شرحی بدریا بیگی مرقوم دارد که قدغن باید تبعه دولت بپیه روسیه ماهی از طایفه ترکمانیه خریداری نمایند و اگر طایفه ترکمانیه صید ماهی می نمایند بآدمهای عالیجاه امیر ابراهیم خان دریا بیگی بفروشد و نیز قدغن نماید که مشارالیه گمی‌های خود را در آنجا برداشته روند و مداخله در امر شیلات عالیجاه مشارالیه نمایند. چون لازم بود اظهار شد فی شهر رجب ۱۲۶۶.»

در این نامه به بیحسابیهای اتباع روسیه در سواحل ایران اعتراض و جلوگیری از رفتار بی رویه آنها خواسته شده است .

کار شیلات سرانجام بدست میرزا تقیخان اندام و سامانی بخود گرفت و بدستوری وسایل و لوازم جدید صید ماهی را نیز از حاجی ترخان وارد کردند و بهسبب علت ماهی دریای خزر و سریشم ماهی در اینهههه یکی از اقلام مهم صادرات ایران گردید .

در آمد شیلات در سال ۱۲۵۹ زمان صدارت حاجی میرزا آقاسی ۶۴۲ تا ۶۴۳ تومان و در سال ۱۲۶۷ عهد امیر ۲۵ هزار تومان بوده است .
موضوع دیگری که در این فصل باید ذکر شود دعوت دولت انگلستان از ایران برای شرکت در نمایشگاه بین المللی لندن سال ۱۸۵۱ میباشد .
بدین تفصیل که در رجب ۱۲۶۶ - از طرف دولت انگلستان ایران را بشرکت در نمایشگاه و باصطلاح آنهمه « نمونه خانه » بین المللی که بنا بود در سال ۱۸۵۱ - ۱۲۶۷ در لندن گشایس پذیرد دعوت کردند و معمرات آن را مشروحاً باستحضار امیر رسانیدند و اظهار داشتند که برای صنایع ایران بقدر هزار پای مربع جا در نظر گرفته شده است . این دعوت دولت انگلستان مورد اقبال میرزا تقیخان واقع گردید و آقا محمد مهدی تبریزی ملك البحار را مأمور نمود که از صنایع مختلفه ایران آنچه در خور و شایسته باشد جمع آوری نموده بلندن بفرستد . ملك البحار اهتمامی بخرج داد و صورتی جامع از امتعه و صنایع هر يك از ایالات و ولایات ایران تهیه کرده بامیر تسلیم نمود و میرزا تقیخان نیز صورتی از آن برای اطلاع کتبل شیل ارسال داشت .

از این سیاهه که هم اکنون در دست است بعضی نفرات را بدون در نظر گرفتن محلی که در آنجا ساخته شده ذکر مینمائیم :

انواع خانمکاری - قلمدان - انواع قامکار - حیت - کمان - زری - مخمل - اطلس - حریر - گل دوزی - شالهای مختلف از قبیل « شال طرح کشمیر » و « شال باب روم » - ترمه نما - ترمه - ابریشم - قالی - پوست - چرم - مروارید - پیروزه - نمونه اسلحه های مخفانیه دولت ایران ضمناً بوزیر مختار انگلیس نوشت :

« در باب امتعه محصوله ایران که قرار بود در خانه ای که در لندن است موجود و مهیا شود با تجار گفتگو شد قراردادند که از حالا الی مدت شش ماه امتعه محصوله ایران را در اسلامبول حاضر و موجود نمایند و آنچه اخراجات راه میشود اولیای دولت ابد مدت قاهره اراعهده می آیند از آنجناب همینقدر متوقع است که چون از جانب ایندولت علیه کسی در آنصححات نیست مراقبت فرمایند که بتوسط فونسولها و کار گذاران اشیاء مرسوله سلامت بمنزل برسد » فی شهر شوال ۱۲۶۶

ظاهراً از نامه های رسمی و شرحی که بینینک مینوبسدا اشکالات حمل و نقل مانع از شرکت ایران در این نمایشگاه شد بخصوص که در روزنامه وقایع اماقیه که کراراً بتفصیل از نمایشگاه لندن صحبت میدارد به شرکت ایران در آن اشاره ای نیکند. ولی قرائن دیگری ارقبیل فرمان میرزا مهدی ملک التجار جد حاج حسین آقای ملک که از طرف دولت انگلستان در ۱۵ اگس ۱۸۵۱ صادر شده است و در دست است طس شرکت ایران را قوی تر میسازد.

چون گمان میرود که از این پس کمتر فرصت صحبت از اصلاحات داخلی و خارجی امیر پیدا کنیم بعنوان حسن ختام خلاصه ای از اصلاحات وی را از زبان خودش از کاغذیکه در ۸ رمضان ۱۲۶۲ بمسوحان داودخان نوشته میآوریم :

« چون آن عالیجاه در ترقی این دولت ابد مدت خوشحال است لازم دیدم که پاره ای از فقرات را بآن عالیجاه بنویسم .

اولاً فرقه نایبه و سایر اشرار و مفسده جویمان کل ممالک محروسه پادشاهی بالمره قلع و قمع شده اند که احدی از آنها بهم نمیرسند ممالک ایران بحمدالله طوری امن و امان است که هیچکس در هیچ عهدی ندیده است نایباً قرار در کار حکام داده شده است که يك نفر حرات يك دیناری بعدی با حدی ندارد ثالثاً امرقشون قسی منظم شده است که ماعوق آن متصور میشود . افواج جدید هم بقدر انتظام مملکت گرفته شده است و علی الاصل ده بانزده فوج در میدان مشق دارالخلافه بمسوق نظامی (مشغول) هستند همی که از مشق صاحب سر رسته شدند آنها مرخص خانه و افواج دیگر احتیاج بمشق

میشوند. دیگر اهتمام مرا در باب رسانیدن مواجب و سیورسات نوکر آن عالیجاه خود میداند که ضرور بنوشتن نیست.*
رابعاً شال کرمانی طوری ترقی کرده است که شخص صاحب سر رشته در کمال اشکال میتواند از شال کشمیر تمیز بدهد بلکه میتوان گفت که تمیز داده نمیشود.

خامساً شکر در مازندران نوعی سفید کرده اند که بهتر از شکر هندوستان است.*

سادساً امر چیا خانه مبارک که قسمی منظم است که ماهی یکهزار تفنگ از چیا خانه بجهت سرباز بیرون میآید که هیچ احتیاج تفنگ خارج نداریم. سابقاً بلور سازی و چینی سازی هم ترقی زیاد کرده است و علی‌هنگام المیاس سایر صنایع را قیاس باینها باید کرد. و حال دو ماه است که موکب همایون از دار الخلافه تشریف فرمای سفر شده اند پانزدهم این ماه وارد اصفهان میشوند و بعد از پنجاه روز توقف نهضت بقر خلات و سلطنت خواهند فرمود زیاده چه نویسم.*



فصل نهم

سیاست خارجی امپراتور

بخش اول

يك نظر کلی باوضاع سیاسی ایران در نیمه قرن نوزدهم

برای روشن شدن اوضاع سیاسی ایران در عهد صدارت امیر نادر باید تحولات سیاست همسایگان را مد نظر قرار داد. و چون روح قصایا را نمیتوانیم بهتر از مؤلف حلیل القدر « تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن ۱۹ میلادی » شرح دهیم علیهذا خوانندگان را قیلاً بمطالعه مقدمه محققانه ایشان توصیه میمائیم و با فرص اینکه آرا ملاحظه نموده اندسطور ذیل را اضافه کرده باصل موضوع میرداریم.

ایران از شروع قرن ۱۹ میلادی خواه نا خواه بدایره سیاست بین المللی کشیده شد و از این پس اوضاع سیاسی ما مستقیم یا غیر مستقیم تحت الشعاع تحولات جریان سیاست اروپا گردید. علت اصلی این حال بجز سیاست استعمار دول اروپائی ظهور ناپلیون بود که هند را تهدید میکرد از این سبب موقع ایران اهمیت خاصی پیدا کرد. وقتی انگلیسها این خطر را حس کردند در صدد پشتیبانی و تقویت ایران برآمدند و چندین معاهده تعرضی و تدافعی با ما بستند. دولت فراسه نیز بقصد لشکر کشی به هندوستان پیمان اتحادی با ایران منعقد نمود که با ملاقات تیلست اساسش در هم فرو ریخت و در نتیجه ایران را در چنگال قهرآلود سیاست تزار تنها گذاشت. چری نگذشت که دوستی فراسه و روس بهم خورد و آتش خصومت بالا گرفت این بار روس و انگلیس بهم نزدیک شدند و باز نتیجه اش ضرر ایران بود زیرا انگلیسها از تعهدات خود نسبت به شاهانه خالی کردند و در حاکم روس افسران خود را از سپاه ایران احضار و وسائل شکست ما را فراهم ساختند

اعترافی دوشنتر از گفته کرزن سیاستمدار نامی انگلیس نیست که در فصل آخر جلد دوم کتاب خود میگوید :

« از زمانی که سر جان ملکم در پو شهر پیاده شد تا امروز ایران در نظر انگلیسها گاهی دارای اهمیت بود زمانی بیقدر و بی اهمیت . يك زمان باطبق های تحف و هدایای فراوان خود را بآن نزدیک نموده ایم و وقت دیگر بانهایت پستی و امساک با آن رفتار کرده ایم . افکار عامه چه در انگلستان و چه در هندوستان گاهی فوق العاده با حرارت زمانی بی اندازه سرد و جامد بوده است .

« ما معاهدات زیادی با ایران منعقد نموده ایم و تعهدات زیادی قبول کرده ایم و حتی پیمان و تدافعی با این مملکت بسته ایم ولی موقع انجام تعهدات شانه خالی نموده از انجام آنها رو گردان شده ایم و بالاخره هم آن تعهدات خود را که خود پیشنهاد کرده بودیم ، با مختصر و جوی خریداری کرده ایم قشون ایران را هم تعلیم نظامی داده ایم و هم با آن جنگیده آنرا شکست داده ایم »

عاقبت در اثر فعالیتها و ملاقاتهای سرگر اوزلی (۱) و جیمس موریر (۲) شرحی که در مقدمه گذشت و در جلد اول سفر نامه موریر و یاداشتهای سرگر اوزلی مندرج است طرح شکست ایران ریخته شد و دنباله آن واقعه اصلاح اندوز روی داد که با عقد پیمان مبهم و گنگ گلستان (۱۲۲۸ - ۱۸۱۳) منتهی شد .

دولت و دربار ایران در این عهد دستخوش تشنجات سیاسی عجیبی گردیده بود که نمیتوانست عنان امور را محکم بکشد و خط مشی ثابت و سنجیده ای اتخاذ کند . پس از سقوط و تبعید ناپلیون و رفع خطر هند علت دیگری برای تقویت ایران وجود نداشت این بود که یکی از رجال انگلستان صریحاً اعلام میدارد : حال که خطر ناپلیون بر طرف شد دولت دیگری در عالم وجود ندارد که سیادت ما را دوهند تهدید کند در این صورت معنی ندارد که ما خود را پای بند مواد عهدنامه ای کنیم که کیفیات يك زمانی آنرا ایجاد مینموده است « ۳ دولت انگلستان خود را از سیاست اروپا کنار کشید و در کناره گیری

۱ - Sir Gore Ouseley

۲ - James Morier

۳ - قربانیهای هند

باشکوه ۴۱ که از خصایص سیاست این دولت است پیش گرفت در عوض چشم
بسایر قطعات عالم دوخته و بسط و نگاهداری و تقویت امپراطوری عظیم خود
پرداخت - در آسیا و افریقا دامنه مستعمرات خود را توسعه داد و این توسعه
بمنظور سد راه رقبای دیرینه اش سمت مستعمرات زرخیز انجام میگرفت
روی این اصل زمینه و مشی سیاسی خود را در ایران تغییر داد و دیگر
مایل نبود که هیچ دولت مقتدری در حول و حوش هندوستان وجود داشته باشد
مخصوصا چون ایران سابقه تاریخی ممتدی در هندوستان داشت و انگلیسها
نخوبی بی برده بودند که ایران چشم امید امرای هند میبازد ، چنانکه پسر
پادشاه دکن در مکتوبی که به فتحعلیشاه مینویسد اقدامات انگلیسها را شرح داده
و شهریار ایران را بفتح هندوستان خوانده میگوید : « . . . لازم دید که
حقیقت مدعا معروض رای حدود او » سازد که اگر همت خسروی و عزم شاهنشاهی
تسخیر ملک هندوستان را دامن بر میان زند و دوحی از شرزه شیران قزلباش
بصرت بلاش را سد از سر برشور گشاید و مامور باین حدود فرماید با سهل
و حسی بی تمارع مبارع ملک از دست رفته بدست آید و تیر از شصت جسته
بشصت و ممالک وسیع لمالک هند ضمیمه ممالک سلطانی گردد . . . ۲۰۰ باینجهت
باوسائل گوناگون در صدد تجزیه و تضعیف و تحقیر و اضمحلال نفوذ سیاسی
ایران در آسیا بر آمدند . از این پس هدف سیاست انگلیس در شرق این
شد که رنجیری از ممالک پوشالی دور هندوستان بکشند

انگلیسها برای تجربه ایران از یکطرف شروع بفعالیت های جدی در
صفحات افغانستان نمودند که در فصل « سیاست امیر در افغانستان » گوشزد
خواهد شد و از طرف دیگر چون برای تضعیف ایران همکاری با روسها
لازم بود ضربه دیگری برای اهدام و اضمحلال قدرت و سپاه ایران ضروری
بنظر رسید .

۱ - Splendid Isolation یا Masterly Non - Interferenc شالده

این سیاست در قرن ۱۷ میلادی ریشه شد و حنك سی ساله نتیجه آن بود
انگلستان خود مشغول دست آوردن مستعمرات خارج از قلمرو اروپا گردید .

۲ - مجموعه اسناد سیاسی از دعوی به با قاجاریه متعلق به آقای عباس اقبال

۳ - A chain of Buffer of States for Protecting India

تجربیهاتی که ما از تاریخ سیاسی ایران در یک قرن و نیم اخیر داریم این نکته را مدلل میسازد که اگر ایران دارای نیرو و قدرت میباید بنفع دولت انگلستان یعنی برای حفظ مصالح امپراطوری آن بکار رود و عبارت دیگر ایران باید سپر بلای متجاوزین بهند باشد و در غیر این صورت وجود چنین قدرتی زائد است و زوال آن با برخورد سیاست خونخوارانه تزار بهترین وجهی صورت پذیر میباید.

ایران بعد از پیمان گلستان محور سیاست را پیش از پیش از دست داد یعنی نه توانست با انگلیسها کنار بیاید و نه میتوانست تقاضاهای عجیب و غریب تزاران روس را بر آورد. روسها بعد از پیمان گلستان که ششماه نویسنده صاحب نظر و بصیر قربانیهای هند و آرا «یک فرمان راحت باش» تلقی میکردند بتجدید قوای از دست رفته خود که جنگهای با ناپلئون موجب آن شده بود پرداختند و مکرر توسعه اراضی را در دماغ خود پرورش میدادند و بالاخره با تفسیر مواد قابل کشش پیمان گلستان و دستهای خیانت پالامی که در بار ایران بکار بود بر ابرهای اختلاف در صفحات شمالی افزوده میشد تا دوره دوم جنگهای ایران و روس بر پاگشت و انگلیسها بار هم از اجرای مواد عهد نامه ایکه سر هنری الیس در سال ۱۸۱۴ با ایران بسته بود سرباز زدند.

پس از دو سال جنگ پیمان منگین دیگری در تر کمین چای بایرانت تحمیل گردید که برگزین شکست سیاسی ایران در یک قرن و نیم اخیر محسوب میگردد.

با انعقاد معاهده تر کمین چای مرحله اول سیاست روس در ایران پایان رسید و مرحله بسط و نفوذ یا سیاست صلح حویانه شروع شد. روابط ایران و روس بر اساس دوستی قرار گرفت و از آن پس دولت ایران از سمت شمال خاطر جمع گشت ولی بقیه در مدت سلطت فتحعلیشاه و دوره محمد شاه دهن و وقت دولت ما مصروف و مشغول مسأله ترکستان و افغانستان گردید و این امر مستقیماً نتیجه «سیاست تقدم» بود (Forward Policy) که انگلیس بعد از ناپلئون در شرق پیش گرفته بود.

دولت انگلستان ناحیه افغانستان را بعون تأمین سرحدات هندوستان جزء منطقه نفوذ خود میدانست. ایران هم بنا بر سابقه و حقوق تاریخی مبتدی که در آن جاداشت افغانستان را پاره ای از پیکر کشور خویش محسوب میداشت این

دو رویه مخالف خواه ناخواه با هم تصادم مینمود و اختلافاتی را ایجاد میکرد دولت انگلیس با سم حفظ امپراطوری خویش از هیچ اقدامی در افغانستان روگردان نبود و تمام مساعی خود را برای غشی کردن فعالیت های ایران در آن سرزمین بکار میرد .

دولت ایران هم کاملاً نظریات و مقاصد انگلیسها در افغانستان واقف بود بهین علت در تمام معاهداتی که در زمان فتحعلیشاه با انگلیسها بسته شده باین ماده بر میخوریم که انگلستان قبول میکند که هیچگونه مداخله ای در امور افغانستان و روابط آن با ایران نداشته باشد ولی با اعتراف خود مؤلفین انگلیسی می بینیم هنگامیکه عباس میرزا و بعد از وی محمدشاه برای حفظ حقوق تاریخی ایران بصفحات شرقی لشکر کشی میکند چه دسائس سیاسی عجیبی بدست امثال مکنایل علیه ایران بر پا میشود و حتی دولت انگلستان از اعلان جنگ دولت ایران هم خودداری نمی کند و سر انجام به تنها حقوق ما را پایمال می نمایند بلکه رجال و سرداران سپاه ما را مسموم و یابدسایس درباری مقتول میسارند و در حقیقت یکی بعد از دیگری قربانی هند می گردند زیرا این رجال یا باید حافظ منافع انگلستان باشند یا محکوم هندا.

رفته رفته اوضاع سیاسی ایران در این ایام تیره و تار و رقابت همسایگان شمالی و جنوبی دائماً در تزايد و این رقابت بحدی شدت یافته بود که بقول کرزن صحبت هر روزی مردم بازار و قهوه خانه های شرق شده هر آن احتمال میرفت که به جنگ خونینی منجر گردد که بتعبیر خودش صدای مهیب آن تا قطب شمال و جنوب برسد .

این بود کلیات سیاسی تاریخ ما تا عهد امیر . و از این پس اصول سیاست خارجی امیر را بدو بطور خلاصه و در فصول آتی مفصلاً بیکان شرح میسائیم .

امیر مشی سیاسی ایران را بطور دقیق معین کرد و در مسائل سیاسی ایران مقیاس معینی اتخاذ نمود

در رفتار با روسها بسیار احتیاطکار بود و همواره سعی داشت که بقار و کدورتی بین ایران و همسایه شمالی پیش بیاید . زیرا کشمکش های ناروسیه خاطرات ناگواری در دماغ امیر باقی گذارده بود و او میخواست دولت ایران مجدداً همان اشتباهات را کرده تجربه های تلخ گذشته تکرار گردد .

چنانکه در دستورالعملی که بمحمد ولیخان بیگلر بیگی استرآباد در رجب ۱۲۶۲ میدهد مینویسد :

« ... دیگر در باب حزم و احتیاط شما در امورات و قسم مواظبت و مراقبت شمارا در کارها نینویسم و بکار دانی و قاعده دانی شما اطمینان دارم بحول الله تعالی باید طوری رفتار شود که در همه مواد در مقام نظم آن صفحات و رفع هرزگی اشرارتر که مانان بتخصیص جعفر نایی بر آیند و اسباب شکایت هم بدست ندهند . و این سهل امری است که از روی عقل و احتیاط مواظبت در امورات منتج همین نتایج خواهد بود . »

با انگلیسها نیز روش دوستانه و عاقلانه‌ای پیش گرفت و هرگز نمی خواست که بهانه و مستمسکی بدست آنان بدهد که از دولت شکایت کنند چنانکه در دستوری که بهرام میرزا حاکم فارس در باره تنبیه محمد حسین پیک که بمستر هتل کنسول انگلیس در بوشهر اسماءه ادب کرده بود میدهد اصول سیاست خود را با انگلیسها روشن نموده است :

۱۵ شعبان ۱۲۶۵ « با اینکه مکرر خدمت نواب والا زحمت دادم و نوشتم که با منتسبان دولت بهیه انگلیس که همهمان عزیز این دولت علیه هستند کمال حسن سلوک را مرعی و منظور دارند و بهیچوجه راه شکایت بدست آنها ندهند باز دایده نبخشید و عرض های من اثری نکرد . . . این معنی از عقل و کفایت و درایت نواب والا بسیار بعید است که باوصف اینکه مبدانند اعلی حضرت قدر قدرت قضا شوکت روحی فداه تاچه مرتبه رعایت و جانم داری از منتسبان آن دولت بهیه میبر مایند و نمیخواهند بقدر ذره ای خلاف قاعده نسبت با آنها بظهور برسد مع ذلک چرا باید نواب والا اینطور غفلت در انجام کار های منتسبان آن دولت بهیه داشته باشند . . . » و من بعد بز کمال مراقبت و حسن سلوک را نسبت بمسئبان دولت بهیه انگلیس مرعی بدارید که رضامندی از نواب والا بنویسند به شکوه و شکایت زیاده زحمت دارم . . . با وجود همه این تحجیب ها و حسن سلوک ها امیر نجد میکوسند که از دخالت اجاب در امور ایران بکاهد و بعد مداحلاتشان خامه دهد و نفوذ مهلك روس و انگلیس را در ایران تعلیل دهد .

چنانکه وقتی وزیر مختار انگلیس و روس معا در باب سالار دخالت

کردند و خواستند صلحی بین ایران و سالار برقرار سازند مرتباً بهر دو جواب
رد داد. ۱

بعد از قتل سالار نیز در باب اعوان و انصار او دخالت و وساطت کردند
و پادشاه های دندان شکن و مقتضی شنیدند که سفیر انگلیس سرنوشت امیر را
تهدید نمود و نماینده روس بینهایت دلتنگ شد. ۲

در موضوع شکنجه بزرگان انگلیس و روس های مداخله پیش نهادند ولی
امیر سختی کرد و با آنان نهماند که در اموری که صلاح ملک و ملت باشد و نیکبختی
رعیت را باعث شود خود دولت بصراحت طبع مقدم است و لازم بتذکرات و
دخالتهای دیگران نیست. ۳

هنگامیکه امر بشکستن «بست» داد با وجود مخالفتهای نصیحت آمیز
کنل شیل از تصمیم خود صرف نظر ننمود و توصیه های وزیر مختار انگلیس
را در طای نسبان نهاد. ۴

با خوش رفتاری بست ملل متنوعه و اقلیت های مذهبی از حمایت انگلیسها
جدا جلوگیری کرد و هر چه آنها پادشاهی میکردند و عبث عبث حاضر نمیشدند
دست از حمایت خود بست بارامنه تریز و غیره بکشند امیر ایستادگی
کرد و با دلایل منطقی و عقل پسند آنان را قانع ساخت و از این مبارزه نیز فاتح
بیرون آمد. کوشش انگلستان بمنظور قبضه کردن خلیج فارس و وسط نفوذ خود
در آنجا سهانه منع برده فروشی بمقاومت سخت و مبرمانه میرزا تقیخان برخورد و
اصرارهای پالمرستون از آنسوی و استدالات محکم و عجیب امیر از این
طرف یکدیگر را خسی میکرد.

روسها که در عهد حاجی میرزا آقاسی اجازه ساختن بیمار خانه و
تجارتخانه را در استرانباد اردولت ایران گرفته بودند با اینکه بموجب قرارداد

۱ - قسمت اول این کتاب صفحه ۸۰ مراجعه فرمایند

۲ - « « « « ۸۹ «

۳ - بصححات ۱۴۲ بعد قسمت اول این کتاب مراجعه فرمائید.

۴ - بصححه ۲۰۳ قسمت اول مراجعه فرمایند.

۵ - مفصلاً خواهد آمد.

ترکمن چای روسها حق ساختن تجارتخانه داشتند با مخالفت امیر مواجه شدند و مذاکرات طولانی و دلایل مقنع و کاردانی صدراعظم ایران بود که گنت نسلرد را بچشم پوشی از بنای آندو واداشت و در حقیقت نس صریح عهد نامه را موقوف الاجرا گذاشت . اجاره صیدشیلات بحر خزر را نیز که سابقاً یکی از اتباع روسیه داده شده بود گرفت و عهده یکی از ایرانیان را گذارد نمود . — برای احقاق حقوق شاهسون ها و ایلات مقیم موغان که روسها قصد اجحاف داشتند مقاومت ها کرد و بالاخره توفیق یافت .

— امیر برای سسط روابط سیاسی و رتق و فتق امور یکه بین ما و همسایگان شمالی و جنوبی پیش میآمد و یا معوق مانده بود برای نخستین بار در تاریخ سیاسی ایران بسال ۱۲۶۷ نماینده دائمی بلندن و پترز بورك فرستاد . شعیب خان بوزیر مختاری لندن و میرزا محمد حسین صدر دیوانخانه « عضدالملک » بعسارت روسیه برگزیده و روانه گردیدند . میرزا حسینخان را نیز در همانسال برای حفظ روابط با حکومت هند بکنسولی دائمی بمبئی روانه آندیار ساخت و در حاجی ترخان میرزا محمد خان و در نعلیس میرزا احمد خان را به « مصلحتگراری » فرستاد .

امیر از تعیین نماینده دائمی در لندن و پترز بورك منظور مهمی داشت و آن ارتباط مستقیم با دربارهای آن دو دولت بود زیرا ودرای مختار آنان سکرات در ایران میخواسته اند بظریات شخصی خود را باسم دولت خویش تحویل نمایند و چه بسا باعث سردی روابط همان میشدند و بخصوص یکی چند فقره امور معوقه ای پیش آمده بود که وزرای روس و انگلیس تن به فیصله آن نمیدادید و بالجاحی سخت ایستادگی میکردند و ما فقط بدو موضوع اشاره کرده میکنیم با حکمت این اقدام امیر آشکار شود .

بطوریکه بعد ها خواهد آمد یکی از مشاجراتی که مدتها وقت دولت ایران را گرفت موضوع تابعیت و ادعای طلب حاج عبدالکریم شکار پوری از دولت ایران بود پس از یکمرتبه مکاتبات مطول امیر در تاریخ ۹ محرم ۱۲۶۸ بکلنل شیل مسوئست . . . پس آنجیاب یا قرار اجلاس و تحقیقی در این باب گذارند و یا اینکه ناچار اولمای اسدولت مطالبه این مطلب را ماولیای دولت انگلیس (یعنی حکومت لندن) که در دنیا بصفت عدالت و حقانیت و انصاف معروف عالم هستند رجوع نموده سواد کل احکام معتبره علما و مجتهدین و اسشهادات مهور سامهار صحیحه را هم نزد